

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک

(از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث)

محمدحسین رفیعی^۱

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی جایگاه و اهمیت ایران در منطقه خلیج فارس در دوره جنگ سرد در سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۴۷ ش/۱۹۵۸-۱۹۶۸ می‌پردازد که در آن دهه تبدیل به عرصه کارزار و رویارویی دو جبهه شرق و غرب شده بود. سازمان تازه‌تأسیس ساواک در این کارزار رصدکننده فعالیت‌های عوامل شوروی در منطقه و مجری سیاست‌های دولت مرکزی ایران بود و کشور عراق تبدیل به مهم‌ترین عرصه این کارزار شده بود. عراق پس از کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۳۳۸ ش، از یک هم‌پیمان بلوک غرب تبدیل به پایگاه گسترش نفوذ شوروی شد، بنابراین ساواک نقش مهمی در رصد، خنثی‌سازی و عکس‌العمل متقابل نسبت به این تهدیدات داشت. این پژوهش ابتدا به چگونگی فعالیت اطلاعات خارجی ساواک بر پایه اسناد موجود پرداخته و روند سریع تحولات عراق را در جمهوری اول (عبدالکریم قاسم) و جمهوری دوم (عبدالسلام و عبدالرحمن عارف) بر این مبنا مورد تحلیل قرار داده است. این تحولات پرشتاب که آینه تمام‌نمایی از تغییر در مناسبات قدرت در دوره جنگ سرد در منطقه خلیج فارس و غرب آسیا بود با نقش‌آفرینی محمدرضا پهلوی، جمال عبدالناصر و رژیم صهیونیستی در عراق بسیار پرالتهاب و تنش‌دنبال می‌شد. پژوهش حاضر در گام بعدی به چستی و چرایی سیاست‌های منطقه‌ای ایران در قبال تحولات عراق و ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت آن سیاست‌ها پرداخته و نقش ساواک را در این میان موردبررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، شناخت استراتژی مهار بدون درگیری نظامی و استفاده از عنصر کُردی در تغییر مناسبات داخلی عراق با همکاری سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی (موساد)، به‌رغم عدم همراهی ایالات متحده در بدو امر، همگی از جوانب مختلفی هستند که رابطه میان تدوین اطلاعات و اجرای سیاست‌ها توسط ساواک در هریک این موضوعات موردبررسی قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: پهلوی، عراق، ساواک، قوم کُرد.

Iran's regional policies in Iraq based on SAVAK documents from the fall of the monarchy to the rise of the Baath Party

Mohammad Hossein Rafiee¹

Abstract

The present study examines the position and importance of Iran in the Persian Gulf region during the Cold War era in 1958-1968, which had become a campaign of confrontation between the East and the West. In this campaign, the newly established SAVAK organization monitored the activities of Soviet agents in the region and implemented the policies of the central government of Iran, and Iraq had become the most important arena of this campaign. After the coup of Abdul Karim Qasim in 1958, Iraq changed from an ally of the Western bloc to a base for expanding Soviet influence, so SAVAK played an important role in monitoring, neutralizing, and reacting to these threats.

This study first examines the activities of SAVAK's foreign intelligence based on existing documents and analyzes the rapid developments in Iraq in the First Republic (Abdul Karim Qasim) and the Second Republic (Abdul Salam and Abdul Rahman Aref) on this basis. These rapid developments, which were a complete reflection of the changing power relations in the Cold War era in the Persian Gulf and West Asia,

The present study next analyzes Iran's regional policies regarding Iraq and evaluates their success or failure, and examines the role of SAVAK in this. Understanding the strategy of containment without military conflict and using the Kurdish element in Iraq's internal relations with the cooperation of Mossad are all different aspects that the relationship between the compilation of information and the implementation of policies by SAVAK will be examined in each of these topics.

Keywords: Pahlavi, Iraq, Savak, Kurds.

1. Phd in Islamic History; Resercher in Islamic Revolution Document Center; Tehran. Iran; Rafieemh@gmail.com

۱. مقدمه

روابط ایران و عراق در طول سالیان متمادی از عصر صفوی - عثمانی تاکنون شاهد فرازوفرودهای متعددی بوده است. مرزهای طولانی خاکی و آبی، روابط درهم‌تنیده قومی - مذهبی، منافع مشترک و متضاد در حوزه انرژی در خلیج فارس تنها چند عامل از علل این فرازوفرودهاست. عصر پهلوی دوم که با اوج رقابت‌های جنگ سرد در جهان دوقطبی میان شوروی و آمریکا همراه شده بود، یکی از مهم‌ترین برهه‌های این تاریخ طولانی هم‌جواری است. بلوک غرب به رهبری ایالات متحده، توانسته بود کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، ایران، ترکیه و پاکستان را به‌عنوان سدّ دفاعی در مقابل نفوذ شوروی در قالب پیمان امنیتی بغداد گردهم آورد. این پیمان در ادامه پیمان‌های ناتو و سیتو، کامل‌کننده حلقه محاصره اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد. در سوی مقابل، شوروی با استفاده از بستر رشد ملی‌گرایی عربی در کشورهای عربی می‌کوشید روابط بهتری با مصر و سوریه برقرار کند تا سهمی از قدرت و نفوذ در منطقه خاورمیانه را تصاحب کند. کودتای ۱۹۶۳ ش در عراق به کلی ورق را به ضرر بلوک غرب برگرداند و با سرنگونی نوری السعید که رویکردی کاملاً غرب‌گرایانه و ضد کمونیستی داشت، زلزله‌ای در دیوار دفاعی غرب در مقابل نفوذ کمونیسم به منطقه خلیج فارس ایجاد شد و جبهه‌های مشترک و متضاد منافع مجدداً صف‌آرایی کردند.

مسئله این مقاله نحوه شکل‌گیری سیاست منطقه‌ای جدید محمدرضا پهلوی پس از این تغییرات است که به‌طور مشخص بر پایه اسناد، ساواک به‌عنوان عامل اجرای این سیاست‌ها فعال بوده است. درواقع پرسش از این است که سیاست منطقه‌ای ایران بر پایه رصد مستمر تحولات عراق توسط ساواک چگونه شکل گرفته است؟ عوامل ساواک و مسئولان دولتی در تهران چگونه به ایجاد و تقویت عنصر کردی در تغییر محاسبات و مناسبات قدرت دست‌یافتند؟ در اثر سیاست‌های منطقه‌ای ایران چه تحولاتی در عراق رخ داد؟ بدون شک استراتژی مهار عراق

بدون درگیری نظامی مستقیم ایران، در راستای مقابله بانفوذ شوروی در منطقه و رفع خطر خودمختاری در کردستان، خوزستان و بلوچستان ساختار تازه‌ای را در سیاست منطقه‌ای رژیم پهلوی ایجاد کرد که بر پایه اسناد ساواک، می‌توان دریافت دقیق، عمیق و مبتنی بر شواهد دست‌اول را از شکل‌گیری، نحوه اجرا و میزان موفقیت آن به دست آورد. این مقاله می‌کوشد با گردآوری مراجع و اسناد، به تحلیل داده‌ها و کشف روابط علی بین متغیرها و عوامل تاریخی بر پایه روش تحلیل تحقیق تاریخی و شیوه توصیفی و تحلیلی به شناخت این موضوع بپردازد.

پیشینه پژوهش

در میان آثاری که به‌طور کلی به موضوع ساواک پرداخته‌اند می‌توان به «ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه» و «ساواک» هر دو به قلم تقی نجاری‌راد و «ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل» اثر عبدالرحمن احمدی اشاره کرد که همگی بر پایه اسناد به نقش‌آفرینی داخلی و منطقه‌ای آن پرداخته‌اند. در کنار این پژوهش‌ها دو مجموعه سندی ارزشمند «روابط ایران و عراق به روایت اسناد ساواک» و چپ در ایران به روایت اسناد ساواک: تحولات داخلی و امنیت ملی ایران به همت مرکز بررسی اسناد تاریخی منتشر شده که تمامی اسناد ساواک مرتبط با عراق را در بازه زمانی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ گردآوری کرده است. در میان پژوهش‌های جدید نیز اثر «شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه» اثر آرش رئیسی‌نژاد به سیاست منطقه‌ای محمدرضا پهلوی در لبنان و عراق پرداخته که جالب‌توجه است. نقطه تمایز این اثر توجه به اسناد ساواک در مسئله عراق، چگونگی پروبال دادن پهلوی دوم به مسئله کردی برای ایجاد توازن جدید در مقابل دولت مرکزی عراق و تأثیر این سیاست‌ها بر تحولات داخلی عراق بر پایه اسناد ساواک است که در هیچ‌یک از آثار فوق به‌روشنی موردتوجه قرار نگرفته و بیشتر حاشیه‌ای بر مناسبات ساواک با موساد یا دیگر بازیگران منطقه‌ای موردتوجه قرار گرفته

است. از سوی دیگر، تلاش شده نقطه ضعف شایع تمامی این پژوهش‌ها را که عدم دقت در استناد به اسناد ساواک بوده جبران گردد.

کودتای تموز و تغییر مناسبات قدرت در خاورمیانه

در ۲۳ تیر ۱۳۳۷ ش/۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸م افسران آزاد عراق، سلطنت هاشمی را در کودتایی گسترده سرنگون کردند و ملک فیصل دوم، نائب او عبدالله و نوری سعید نخست‌وزیر به قتل رسیدند. رهبران کودتا ژنرال عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف قدرت را میان خود تقسیم کردند و قاسم نخست‌وزیر و عارف معاون وی و فرمانده کل قوا و وزیر کشور شد (سامرائی، ۱۳۷۷: ۳۵). این کودتا که در تاریخ عراق به «ثورة التمزوز ۱۹۵۸م» مشهور است سرآغازی بر دوره جدید تاریخ عراق شد که تأثیرات مستقیمی بر روابط این کشور با همسایگان به‌ویژه ایران داشت.

محمدرضا پهلوی که یکی از شرکای مهم خود در پیمان بغداد (سنتو) از دست داده بود، به کودتاگران بدگمان بود. از نظر او، همسایه غربی می‌توانست با ثروت فراوانش، به پایگاه مهمی برای نشر عقاید کمونیستی و ناسیونالیستی عربی تبدیل شود. اما دوايت آيزنهاور رئيس جمهور ايالات متحده آمريكا از تحولات عراق، همچون محمدرضا پهلوی نگران نبود، چراکه سفير آمريكا در بغداد والدمار گلמן پس از دیدار با قاسم از تضمین او برای حفظ روابط حسنه با آمريكا، پایبندی به عهدنامه‌های بین‌المللی و حفاظت از جریان انتقال نفت گزارش کرده بود (Nigel, 1993: 123-127).

در این میان شوروی بیش از تمام بازیگران قدرت در خاورمیانه به استقبال کودتاگران شتافت و تنها چهار روز پس از آن، جمهوری عراق را به رسمیت شناخت. در همین راستا معاون نخست‌وزیر شوروی، آناستاس میکویان در ۲۵ اسفند ۱۳۳۷ ش/۱۶ مارس ۱۹۵۹م به بغداد سفر کرد و طی این دیدار یک قرارداد کمک‌های فنی و اقتصادی به مبلغ ۵۵۰ میلیون روبل برای

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث..... ۱۰۱

۴۳ طرح صنعتی در عراق منعقد شد و کمک ۱۸۰ میلیون روبلی به همراه سی فروند ناوچه به ظرفیت پنجاه تا شصت تن به دولت عبدالکریم قاسم اهدا کرد. چندین قرارداد دیگر نیز با مؤسسه تکنو اسپورت شوروی در سال ۱۳۳۸ ش/ ۱۹۶۰ م منعقد شد که مهم‌ترین آنها در زمینه بهبود کشاورزی، آموزش پرسنل عراقی در زمینه‌های استخراج معادن و طرح‌های مربوط به راه آهن بود. (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۲۴۰؛ همو، ۱۳۶۹: ۱۴۸) مقامات شوروی عبدالکریم قاسم را یک متحد بالقوه در برابر نفوذ غرب در منطقه قلمداد می‌کردند تا خلیج فارس به پایگاهی برای حمله علیه شوروی تبدیل نشود و امتیاز استراتژیک کنترل بر آبراه‌های انتقال نفت را به دست آورند (ملک محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۳).

ساواک و فعالیت حزب توده در عراق

محمدرضا پهلوی برخلاف ایالات متحده از وقوع کودتا در عراق بسیار نگران بود چرا که آن را متناظر با گسترش نفوذ شوروی در منطقه قلمداد می‌کرد. دولت عراق نیز بهانه‌های کافی را برای این نگرانی فراهم می‌کرد و ساواک اخبار متعددی از سخت‌گیری بر ایرانی‌ها یا طرح ادعاهای ارضی بر مالکیت اروندرود در عراق و تظاهرات ضدایرانی به شاه منتقل می‌کرد (روابط، ۱۳۸۰: ۳۶). ساواک به سرعت به این نتیجه رسید که اتحاد جماهیر شوروی در این تغییرات سیاسی نقش اساسی داشته و تلاش می‌کند با ایجاد یک دولت متخاصم در عراق، موازنه قدرت را در خلیج فارس تغییر دهد. در این راستا تمرکز احزاب کمونیست خاورمیانه به ویژه حزب توده ایران در بغداد که پیش از این به دلیل سخت‌گیری‌های جمال عبدالناصر، سوریه و مصر را ترک کرده و به بلغارستان گریخته بودند، اقدام علیه امنیت ملی ایران قلمداد می‌شد (روابط، ۱۳۸۰: ۳۸).

در ۶ بهمن ۱۳۳۷ ش/ ۲۶ فوریه ۱۹۵۹ م، کنفرانسی با حضور احزاب کمونیستی خاورمیانه در بغداد برگزار شد که ساواک توانست با نفوذ به آن اطلاعات مهمی به دست آورد. گزارش

ساواک از این نشست عبارت است از (۱) حمایت کامل کمونیست‌ها از عبدالکریم قاسم و آمادگی برای دفاع از دولت وی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی (۲) حمایت کامل عراق از حزب توده و قول مساعدت در مبارزه علیه رژیم پهلوی تا رسیدن به یک "جمهوری دموکراتیک" (۳) تأیید درخواست رهبران حزب توده برای حمایت مالی، تسلیحاتی و لجستیکی (۴) اجرای ناآرامی و اعتراضات گسترده در ایران، به‌ویژه در آذربایجان و آبادان. در پایان این کنفرانس دو تصمیم اساسی در قبال ایران اتخاذ گردید: (۱) تقویت کمونیست‌های ایران و تأسیس جمهوری دموکراتیک توده و (۲) استقلال کردستان (تحولات، ۱۳۸۰: ۲۰). پس از دستیابی به این اطلاعات، ساواک تلاش کرد ایرانیان حاضر در کنفرانس را شناسایی کرده (تحولات، ۱۳۸۳: ۲۴)^۱ و اداره اطلاعات خارجی تلاش خود را بر شناسایی و نفوذ در نهادهای دولتی عراق که در این فعالیت‌ها دخیل بودند، متمرکز کند. گزارش‌های ساواک مبنی ارتباط میان سران حزب توده و نمایندگان دولت شوروی در عراق، این تصور را برای رژیم ایجاد کرده بود که برنامه‌ای برای اتصال میان حلقه‌های عراق، ایران و شوروی طراحی شده است. چرا که «اسدالله شهبیدی و دو نفر دیگر از کمونیست‌های اکراد عراق موسوم به عبدالله سلیمان کوران و خلیل خوشوی [...] از طریق بغداد - حلب - حمص و بعلبک وارد بیروت شده و با دکتر هاشم الحسینی، حسین مروه و نخله مطران ملاقات کرده جریان کنفرانس و تصمیمات متخذه و دستورات لازمه را به آنها ابلاغ نمودند» (تحولات، ۱۳۸۳: ۲۳؛ کیانوری، ۱۳۸۰: ۳۸۲). تخمین ساواک از تعداد اعضای حزب توده در عراق حدود ۱۵۰۰ نفر بود و فعالیت ارتشیان توده‌ای مثل سروان فولاددژ و پزشک‌های در مناصب مهم ارتش عراق آنها را نگران می‌کرد (تحولات، ۱۳۸۳: ۵۵ و ۴۰). دیری نپایید که ساواک متوجه شد قرار است شوروی «دو پایگاه

۱. این افراد عبارت بودند از: رضا رادمش، احسان طبری، رضا روستا، حسین جودت، نورالدین کیانوری، رحیم نامور، بزرگ علوی، پرویز اکتشافی، محمدقاسم پولادزاده، حمید زرگری و لطفعلی مظفری.

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث..... ۱۰۳

موشکی یکی در نهر دکان واقع بین پشتدر و سلیمانیه و دیگری در اطراف سد قره خان واقع بین حلبچه و سیروان ایجاد کند»، بنابراین این فعالیت‌ها مقدمه‌ای برای تجاوز احتمالی به ایران تعبیر می‌شد: «کلیه اعراب متفقاً در مورد شط‌العرب [اروندرو] و بحرین به ایران تعرض خواهند نمود و این تعرض حتمی تلقی گردیده است» (روابط، ۱۳۸۰: ۵۵).

تمهید و آماده‌سازی برای جنگ نظامی بدون زمینه‌سازی رسانه‌ای ممکن نبود. به همین دلیل «اعتبار فوق‌العاده‌ای در اختیار حزب کمونیست و روزنامه‌های وابسته به آنها در عراق قرار گرفت» (تحولات، ۱۳۸۳: ۴۸) تا در کنار برگزاری گردهمایی و جشن برای عضوگیری از جامعه جوان و تحصیل‌کرده عراقی، جامعه عراق را برای اقدامات بعدی علیه ایران آماده کنند. تشدید فعالیت‌های تبلیغاتی و جنگ روانی عراق علیه ایران روزانه توسعه پیدا می‌کرد تا اینکه جنگ رسانه‌ای وارد مرحله تازه‌ای شد: «دستگاه فرستنده رادیویی به نام رادیو ملی ایران در ناحیه چمچال عراق تحت‌نظر یک افسر روسی و عده‌ای از کمونیست‌های متواری از ایران راه‌اندازی شد» (تحولات، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

برنامه ساواک برای مقابله با اقدامات احتمالی عبدالکریم قاسم علیه ایران، بهره‌برداری از نقاط ضعف و تعمیق شکاف‌های متعدد قومی - عقیدتی در عراق بود تا دولت را به خود مشغول دارد و از ماجراجویی بازدارد. در این راستا ارتباط با قوم کُرد به‌عنوان نیروی مؤثر در شمال عراق و هم‌پیمان بالقوه ایران مورد توجه قرار گرفت و اداره دوم ساواک ارتباط گسترده با کردها را در دستور کار قرار داد تا موجبات ناآرامی و اعتراضات بیشتر آنها را فراهم کند. افسران گریخته از عراق پس از کودتا نیز در جلسات مشترک سران کرد و ساواک مشارکت داشتند. خروجی این جلسات حکم عفو چند نفر متهم کُرد در زندان‌های ایران و انتشار روزنامه کردزبان و پخش یک برنامه رادیویی یک‌ساعته نیز در رادیوتهران به زبان کردی بود که در تمام مناطق کردنشین اعم از ارومیه، سنندج، مهاباد و حتی مشهد پخش می‌شد (قانع‌راد، ۱۳۹۰: ۵۵). «بهترین وسیله برای جواب‌دادن رادیوهای آنها استفاده از وجود سران عشایر مزبور که

معروفیت کامل بین کردزبان‌ها دارند می‌باشد. در صورت تصویب به آنها اجازه داده شود در رادیو کرمانشاه برای عشایر کردزبان سخنرانی‌هایی بنمایند و فساد دستگاه‌های کمونیستی و شیوعی و تحمیلاتی که به آنها در کشور عراق می‌شده با زبان کردی بیان نمایند» (تحولات، ۱۳۸۳: ۲۹).

واکنش عراقی‌ها به این فعالیت‌های ساواک (۱) صدور دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه عبور و مرور اتباع ایرانی: «کلیه مسافرین عراقی بایستی شناسنامه همراه داشته باشند و آنهایی که فاقد شناسنامه هستند به نام ایرانی بودن دستگیر و زندانی شوند»، (۲) گسترش همکاری دولت عراق و شوروی: «پنجاه نفر روسی به نام محصل به عراق آمده و پانصد نفر عراقی به نام محصل به شوروی فرستاده شده‌اند» (تحولات، ۱۳۸۳: ۱۱۱) و (۳) اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه برای مطبوعات ایرانی در عراق: «مجلات تهران مصور را در فرودگاه [بغداد] آتش زده و آقای محمدعلی کتبی را که مجلات و روزنامه‌های مختلف ایران را به فروش می‌رسانند نه روز بازداشت نموده‌اند» (روابط، ۱۳۸۰: ۷۹/۱).

ادعاهای ارضی عبدالکریم قاسم نسبت به ایران

با در نظر گرفتن تمامی این مقدمات، عبدالکریم قاسم سطح تعارض ایران و عراق را بالاتر برد و در یک مصاحبه مطبوعاتی در ۱۱ آذر ۱۳۳۸ ش گفت: «عهدنامه ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷ م بر اثر فشار به عراق تحمیل شد و دولت عراق به اندازه پنج کیلومتر از اروندرود را به همسایه خود بخشید [...] ما هرگونه اقدامات ممکن را برای پس گرفتن پنج کیلومتر از خاک عراق، که در زمان رژیم بکر صدقی به ایران منضم شده است، به عمل خواهیم آورد» (اطلاعات، ۱۱ آذر ۱۳۳۸: ۴). وی در اسفند همان سال ساحل شرقی اروند و خرمشهر را بخش جدایی‌ناپذیر عراق خواند که «موطن عده زیادی از برادران اعراب ماست که سال‌هاست زیر یوغ ایرانیان زندگی می‌کنند.» (تحولات، ۱۳۸۳: ۳۵). تمهیدات قبلی برای چنین اظهارنظری توسط اعضای حزب توده در

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث..... ۱۰۵

عراق مهیا شده بود و بلافاصله تظاهرات متعدد ضدایرانی در شهرهای مهم عراق به راه افتاد. عبدالکریم قاسم که از هیچ فرصتی برای تهییج افکار عمومی علیه ایران چشم‌پوشی نمی‌کرد ایران را متهم کرد که در سوءقصد ۱۶ مهر ۱۳۳۸ ش/۷ اکتبر ۱۹۵۹ م علیه وی، صحنه‌گردان و پشتیبان بوده است (تحولات، ۱۳۸۳: ۱۱۴). این سوءقصد در بغداد توسط اعضای حزب بعث انجام شده بود و فواد الركابی دبیرکل وقت حزب بعث آن را طراحی کرده بود. وی دو دهه پس از این رویداد فاش کرد که بعثی‌ها یکی از سه گروهی بودند که قصد ترور قاسم را داشتند و ملک حسین پادشاه اردن نیز از این اقدام حمایت می‌کرد. صدام حسین تکریتی که در آن زمان دانشجوی رشته حقوق بود جزء چهار تن بعثی سوءقصدکننده به قاسم بود که پس از عدم موفقیت به سرعت به سوریه گریخت (الجمیلی، ۱۳۷۰: ۷۵).

این موضوع در ارتش نیز که پشتوانه دولت قاسم بود به شکل دیگری نمایان شده بود: «تبلیغات شدیدی در عراق در بین ارتش شروع شده است که در درجه اول به منظور متحد ساختن افراد ارتش باهم و با نظریات عبدالکریم قاسم است، زیرا نخست‌وزیر عراق مقدم بر عوامل خارجی بر عوامل داخلی بیم و هراس فراوان دارد. ضمناً مسئله اختلاف با ایران وسیله این تبلیغات تهییج احساسات شده است» (تحولات، ۱۳۸۳: ۱۱۷). همه این رویدادها به عبدالکریم قاسم بهانه داد تا ایران و دشمنی با آن را به عنوان عامل تجدیدکننده اتحاد میان ملت، ارتش و طبقه حاکم به کار گیرد. سیاست او ایجاد تعادل بین ناسیونالیست‌ها و نیروهای چپ در عراق بود، بنابراین کمونیست‌ها قدرت گرفتند و حزب توده ایران نیز بی‌نصیب نماند. عبدالکریم قاسم که بیش از ایران خطر ائتلاف بعثی اردن، سوریه و مصر علیه خود را حس می‌کرد تلاش می‌کرد با استفاده از تأکید بر دشمنی با ایران، ارتش را منسجم کند و ناسیونالیست‌های عرب را از خود راضی نگه دارد. هرچند به رغم این اقدامات «وحدت فکر بین افسران ارتش دیده نمی‌شد» (تحولات، ۱۳۸۳: ۳۵).

هرچه قاسم بر طبل ایران‌ستیزی می‌کوبید، بیش از آنکه منجر به ایجاد اتحاد طبقه‌هاوار او شود، موجب ریزش و از هم‌گسست بخش‌های دیگری از جامعه می‌شد. اعتراضات شهری در گوشه کنار نمایان می‌شد: «تظاهرات عظیمی از پل فیصل تا خیابان رشید بغداد علیه قاسم انجام، تظاهرکنندگان با فریادهای زنده‌باد شاهنشاه ایران شعار می‌دادند. در این تظاهرات یک‌صد و پنجاه نفر دستگیر شده‌اند» در کنار شهرنشینان، عشایر و طوایف کرد و عرب هم‌جوار با ایران نیز سر به اعتراض برداشته بودند. قبایل کرد در این زمینه پیشگام بودند و حاکمیت با نظارت بیشتری بر تحرکات آنها نظارت می‌کرد تا از سفر احتمالی آنها به ایران جلوگیری کند، اما اعراب نواحی جنوبی نیز از نفوذ کمونیست‌ها که منجر به تیرگی روابط ایران و عراق شده بود بیمناک بودند. به همین دلیل زمزمه‌هایی از آمادگی قبایل برای شورش گسترده علیه حکومت مرکزی به گوش می‌رسید، هرچند دولت ایران آن را جدی نمی‌گرفت: «شیخ عبدالقادر به نمایندگی از طرف شیخ عبدالکریم کربچنه و شیوخ طالبانی و مشایخ ذره‌ای و قسمت عمده عشایر جاف و شیوخ قرزنجه اظهار داشته که در صورت مساعدت دولت ایران علیه رژیم فعلی عراق قیام نمایند. عبدالقادر پیش‌بینی نموده که به‌مجرد قیام تمام منطقه شیلر، پنجوین، جوارنا و سلیمانیه از وجود مأمورین عراق پاک خواهد شد» (تحولات، ۱۳۸۳: ۱۲۰ و ۱۳۷ و ۱۲۳).

سیاست‌های ایران‌ستیزانه عبدالکریم قاسم در عتبات‌عالیات نیز منجر به تقابل کمونیست‌های تحت حمایت دولت و شیعیان شده بود که به نظر می‌رسید بازهم ریشه در گرایش مردم ایران به مذهب تشیع و تلاش حاکمیت برای رفع نفوذ ایران در عراق داشته است: «چند روز قبل عده‌ای از کمونیست‌های عراقی در صحن مطهر حضرت علی ابن ابی‌طالب در نجف اشرف به نوشتن شعارهای مضره مبادرت نموده‌اند. عده‌ای از طلاب قصد جلوگیری داشته‌اند عده‌ای مأمور و سرباز مسلح دخالت و در نتیجه زدوخورد چند نفر زخمی و عده‌ای از طلاب ایرانی دستگیر می‌گردند. روی این اصل، نارضایتی شدیدی در بین اهالی به‌ویژه ایرانیان تولید گردیده است» (Naef, 2001: 255؛ تحولات، ۱۳۸۳: ۱۳۰). این موضوع در ماه‌های رمضان و محرم رنگ‌وبوی

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث..... ۱۰۷

دیگری به خود می‌گرفت: «از اول ماه مبارک رمضان چند هیئت مذهبی و حزب اسلامی در کربلا، کاظمین و نجف برای مقابله با تندروی‌های کمونیست‌ها تشکیل و به فعالیت شدیدی پرداخته چنانچه در چند روز قبل در نجف عده‌ای ضمن تظاهرات شعارهایی بر علیه عبدالکریم قاسم مبنی بر سقوط او داده و با وصف اینکه مأمورین انتظامی متظاهرين را جلب نموده بودند در شهربانی هم به شعارهای خود ادامه داده ممکن است در ماه رمضان و لیالی احیاء و ایام عزاداری فعالیت طرفین شدیدتر و وقایع ناگواری رخ دهد» (تحولات، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

با شیوع و گسترش نارضایتی میان اقوام و عشایر کرد و شیعه عراقی، همراهی طبقه کارگر و بزرگ با سیاست‌های دولت قاسم به شدت کاهش یافت و منجر به قحطی فراگیر، تورم و بالا رفتن قیمت غلات به شکل فزاینده‌ای گردید که خود به اعتراضات دامن می‌زد. عدم مدیریت صحیح منابع و تسلط مستشاران روس بر اصلاح نظام کشاورزی عراق که به واسطه عدم همخوانی فرهنگی با دیدگاه‌های سنتی مردم عراق به نتیجه روشنی نرسیده بود، علت اصلی این مشکل بود. به همین دلیل قاچاق حبوبات و غلات به‌ویژه گندم (تحولات، ۱۳۸۳: ۱۴۹) از ایران در دستور کار دولت عراق قرار گرفت: «بنا بر اطلاعاصله خواربار و حبوبات در عراق فوق‌العاده گران و نایاب شده و مردم با خرما سدّ جوع می‌نمایند، در نتیجه مقامات عراقی عده‌ای از قاچاقچیان مرزنشین را تشویق نموده که در مقابل خواربار که وارد نمایند علاوه بر قیمت آن مبالغی به نام پاداش به آنها پرداخته خواهد شد» (عزیز الحاج، ۲۰۰۱: ۱۵۰؛ تحولات، ۱۳۸۳: ۱۴۱ و ۱۴۹ و ۱۶۰).

کودتای ۱۳۴۱ ش/ ۱۹۶۳ م و قدرت‌گیری عبدالرحمن عارف

دوران عبدالکریم قاسم به واسطه سیاست‌های ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه‌اش فصل تازه‌ای در تاریخ عراق رقم زد. سیاست‌های او شامل نزدیکی به اتحاد جماهیر شوروی، مخالفت با قدرت‌های غربی به‌ویژه آمریکا و هم‌پیمانش در منطقه به‌ویژه ایران و همراهی نسبی با موج

ملی‌گرایی عربی حزب بعث شناخته می‌شود. بعثی‌ها که از سال ۱۹۴۰م به دنبال تغییرات رادیکال و عمیقی در جهان عرب به‌ویژه عراق بودند با رشد قدرت عبدالکریم قاسم، در ابتدا با او همراه شدند ولی رفته‌رفته به اصطکاک خوردند و ارتش را به‌عنوان پایگاه خود انتخاب کردند.

کودتای نظامی علیه قاسم در ۱۹ بهمن ۱۳۴۱ ش/ ۸ فوریه ۱۹۶۳ م با همکاری نظامیان بعثی همچون حسن البکر و علی صالح السعدی شکل گرفت. این کودتا منجر به اعدام قاسم شد و عبدالسلام عارف به‌عنوان رئیس شورای انقلاب و رئیس‌جمهور جایگزین وی شد. احمد حسن البکر به نخست‌وزیری و معاونت اول رئیس‌جمهور رسید و علی صالح السعدی معاون نخست‌وزیر و وزیر کشور گردید. این کودتا در گام نخست برای ایران اقدامی مثبت بود چراکه از یک‌سوی منجر به کاهش نفوذ شوروی می‌شد و از سوی دیگر حذف عبدالکریم قاسم که موج دشمنی و ایرانی‌ستیزی گسترده آغاز کرده بود، مجموعاً مثبت ارزیابی می‌شد؛ مخصوصاً که تمایلات توسعه‌طلبانه مرزی عبدالکریم قاسم نیز تا حدودی به فراموشی سپرده می‌شد. به همین دلیل محمدرضا پهلوی کوشید روابط دیپلماتیک خود را با عراق تقویت کند تا احتمال بروز اختلافات مرزی در دوره عبدالکریم قاسم را به حداقل برساند. اما مسئله وحدت عربی که عبدالناصر، بیطار و عارف را هم‌پیمان کرده بود تا دولتی به نام «جمهوری متحده عربی» به پایتختی قاهره تأسیس کنند، شاه را بسیار نگران کرده بود که این کودتا گرچه منجر به کاهش قدرت کمونیست‌ها در عراق شده ولی در عوض منجر به قدرت‌گیری بعثی‌ها خواهد شد و در نتیجه قدرت مصر در منطقه گسترش خواهد یافت (رئیس‌نژاد، ۱۴۰۱: ۳۷).

دوران ریاست‌جمهوری عبدالسلام عارف را می‌توان در تعامل با ایران و در آینه اسناد ساواک، از چند منظر کلی متفاوت با دوره عبدالکریم قاسم ارزیابی کرد. این موارد عبارت‌اند از عدم اعتماد به کمونیست‌ها و کم‌رنگ‌شدن حضور شوروی در عراق، اتکا به ملی‌گرایی عربی تحت‌تأثیر افکار جمال عبدالناصر و تقویت ایدئولوژی حزب بعث، رشد اختلافات قومی –

فرقه‌ای در عراق که در عمل منجر به موج تازه‌ای از ایران‌ستیزی گردید. در ادامه به تبیین مشروح این تحولات پرداخته و واکنش‌های تصمیم‌گیران رژیم پهلوی در قبال این تحولات را بررسی خواهیم کرد.

الف) کاهش نفوذ کمونیست‌ها در عراق: موج دستگیری‌ها کمونیست‌های عراقی از همان شب کودتا آغاز شد. مرحله اول تصفیه از ادارات دولتی شکل گرفت و به سرعت شبکه فعالیت کمونیست‌ها شناسایی و تحت ضربه قرار گرفت. تعداد زیادی از کردها و ایرانیان کمونیست فعال دستگیر یا به علت نداشتن جواز اقامت از مرز خسروی اخراج شدند. با اوج‌گیری روند بازگشت کمونیست‌های ایرانی از عراق، خرمشهر تبدیل به مرکز تجمع آنها شده بود. (تحولات، ۱۳۸۳: ۲۶۵) به‌جز اعضای حزب توده، کمونیست‌های عراقی نیز به‌صورت گسترده به ایران فرار کرده بودند و گزارش‌های متعددی از دستگیری دسته‌های سی تا پنجاه نفره این افراد در شهرهای مختلف حتی تهران در آرشیو ساواک موجود است، چراکه ایران بهترین مسیر برای گریز سران کمونیست ساکن در عراق به شوروی از طریق اردبیل و باکو بود (Franzen, 2011: 116).

پس از دستگیری‌ها، موج اعدام‌ها آغاز شد و با اعدام سه تن از رهبران کمونیست عراقی، اعتراضات و تظاهرات گسترده‌ای در بغداد شکل گرفت که به‌شدت توسط ارتش سرکوب شد (تحولات، ۱۳۸۳: ۲۸۳). ناآرامی‌های گسترده در عراق و دستگیری همه‌جانبه کمونیست‌ها باعث تیرگی روابط میان عراق و شوروی شد تا جایی که نیکیتا خروشچف نیز حاضر نشد در آن شرایط به دعوت رسمی عبدالسلام عارف پاسخ دهد و به بغداد سفر کند (Smolansky, 1974: 214).

در نتیجه این اعتراضات وضعیت بی‌ثباتی در جامعه دامن زده شد و تقریباً روزی نبود که میان گروه‌های مختلف در شهرهای مهم عراق زدوخورد و درگیری به وجود نیاید. فضای رعب و وحشتی به‌واسطه دستگیری‌های گسترده در جامعه ایجاد شده بود و متهمین را خانه‌به‌خانه در

شب‌ها بازداشت می‌کردند. همچنین به گزارش مخبران ساواک، قرائت بلند متن روزنامه برای عموم مردم و ایجاد چنین تجمعاتی هم ممنوع اعلام شده بود. وضعیت به شکلی نامتعارف و لجام‌گسیخته بود که عبدالسلام عارف چندین بار درخواست ملاقات با مرجع عالی شیعیان عراق آیت‌الله حکیم را مطرح کرد ولی به نتیجه‌ای نرسید (تحولات، ۱۳۸۳: ۲۷۰). همچنین دستورالعمل‌هایی برای وعاظ و ائمه جمعه صادر شده بود که مردم را دعوت به آرامش کنند و سخنان امیدآفرین از منابر ایراد کنند (الموسوی، ۱۹۸۳: ۱۸۰).

ب) تقویت حزب بعث و ملی‌گرایی عربی: یکی از مهم‌ترین آثار کاهش روابط عراق و شوروی، ضعف پشتوانه نظامی و عدم فروش تجهیزات نظامی شوروی به عراق بود. به همین دلیل عارف در این زمینه متوسل به جمال عبدالناصر شد که دوستی نزدیکی با خروشچف داشت. ناصر می‌کوشید با ایجاد نفوذ در عراق طرح و ایده اتحادیه عرب متشکل از سوریه، عراق، اردن و مصر را تحقق بخشد. به همین دلیل و پس از تصفیه گسترده ارتش از عناصر کمونیست، افسران مصری در ارتش عراق جایگزین شدند. در تیرماه ۱۳۴۳ ش، دو هیئت نظامی از عراق به قاهره رفتند تا زمینه‌های تشکیل یک مرکز فرماندهی نظامی مشترک را ایجاد کنند. ایجاد این جبهه مشترک، باعث نفوذ بیش‌ازپیش مصریان در ارتش عراق شد که به شدت موجب نگرانی شیوخ قبایل و بقیه وزرای دولت گردید (تحولات، ۱۳۸۳: ۳۳۸؛ ۱۹۹: Fattah, 2009). مستشاران مصری در همه شئون ارتش نفوذ کرده بودند و مهمات روسی را به ارتش عراق منتقل می‌کردند که حالا جزئی از «ارتش وحدت عربی» شده بود. (Ismael, 2005: 49).

نتیجه این اقدامات و سیاست‌ها کاهش محبوبیت عبدالسلام عارف و رشد نارضایتی‌ها بود. کردها و شیعیان به قدرت‌گیری مصری‌ها در عراق خوش‌بین نبودند. طبق گزارش‌های موجود، خانواده‌های بسیاری در میان مردم عراق داغدار تصفیه‌های گسترده یا نگران عضویت از خانواده خود بودند که در زندان‌ها محبوس بودند. خشم و بهت‌زدگی نسبت به اتفاقات پیش‌آمده مردم عراق را فراگرفته بود. از سوی دیگر قحطی دامنه‌دار و تورم لجام‌گسیخته‌ای که در دوره

عبدالکریم قاسم شکل گرفته بود، در دوره عارف نیز ادامه پیدا کرد و بسیاری از عراقی‌ها این وضعیت را ناشی از نفوذ مصری‌ها می‌دانستند (تحولات، ۱۳۸۳: ۳۵۰).

نفوذ مصری‌ها در عراق، مسئولین ایرانی را نیز نگران کرده بود. گزارش متعددی از تشکیل هیئت‌های متشکل از افسران مصری و عراقی برای سرکشی به مرزهای ایران و تقویت پادگان‌های نظامی مرزی در اسناد وجود دارد. تکمیل زیرساخت‌های حمل‌ونقل مثل فرودگاه‌های نظامی در مراکز نزدیک به مرز همچون حومه بصره از دیگر نتایج اتحاد نظامی مصر و عراق بود. مصری‌ها از طریق دریا نیز به کمک عراقی آمده بودند و کشتی‌های مهمات را از طریق بندر أم القصر به بصره منتقل می‌کردند. برنامه تأسیس راه آهن از بندر ام القصر به بصره نیز در دستور کار قرار داشت. طبق گزارش‌های ساواک تعداد مصری‌های حاضر در عراق در سال ۱۳۴۳ شش هزار نفر می‌رسید که در ساختارهای دولتی مشغول به کار بودند و به‌غیر از آن شش هزار نفر نیز در ارتش عراق استخدام شدند که گذرنامه مصری داشتند. (تحولات، ۱۳۸۳: ۳۶۰ و ۳۶۳). به این ترتیب مهم‌ترین پشتیبان تسلیحاتی و نظامی عراق از شوروی به مصر تبدیل شد و ارتشیان عالی‌رتبه عراقی جای خود را به درجه‌داران و افسران مصری دادند. به‌طوری‌که در میان مردم عراق شایع شده بود که جمال عبدالناصر در حال بلعیدن عراق است (Khadduri, 1960: 324).

ج) رشد اختلافات نژادی - فرقه‌ای و تقویت ایران‌ستیزی در عراق: به‌رغم تغییر رویکرد اولیه عبدالسلام عارف در مقایسه با عبدالکریم قاسم نسبت به مسئله اختلافات ارزی با ایران، این موضوع با رشد نفوذ حزب بعث در ساختار حکمرانی هر روز پررنگ‌تر از دیروز شد. عارف اولین گام در این مسیر را همراه با تصفیه کمونیست‌ها برداشت و کردهای عراقی را مجبور کرد که بغداد را ترک کرده و به مناطق کردنشین بازگردند. کردها به کمک کمونیست‌ها مجدداً تمایلات استقلال‌طلبانه خود را مطرح کردند که این بار با نظر مساعد جمال عبدالناصر، امید تحقق آن بیش‌ازپیش متصور بود و جلال طالبانی به دلیل روابط بهتری که با

جمال عبدالناصر داشت، حامل پیام بین ملا مصطفی بارزانی و جمال عبدالناصر بود. (الحاج، ۱۹۹۴: ۲۷) البته علت موافقت عبدالناصر با استقلال کردستان ناشی از برنامه او برای جدایی خوزستان از ایران بود (روابط، ۱۳۸۰: ۸۳). هرچند دو دور مذاکره هیئت کردی به رهبری جلال طالبانی با مقامات مصری به نتیجه روشنی نینجامد و کار به جنگ گسترده‌ای میان ارتش عراق و شبه‌نظامیان کرد کشید که به‌صورت پنهان توسط ایران پشتیبانی می‌شدند. (رئیس‌نژاد، ۱۴۰۱: ۱۴۳)

یکی از آثار رشد ایدئولوژی حزب بعث در عراق، رشد اختلافات فرقه‌ای در سطح جامعه بود به‌طوری‌که از فردای کودتا، زد و خوردهای فرقه‌ای در سطح شهرهای مهم عراق دیده می‌شد. ادعاهای عجیبی همچون حمایت عارف از ساخت مقبره باشکوه برای معاویه بن ابوسفیان و فرزندش یزید خشم شیعیان را برانگیخته بود. به همین دلیل در منابع خطبا و وعظ به‌صورت گسترده از عارف انتقاد می‌شد. برخی شایعات پیرامون دستگیری برخی از این وعظ منتقد در جامعه پخش می‌شد که به دستور جمال عبدالناصر صورت گرفته بود. به همین دلیل عارف به دیدار آیت‌الله حکیم مرجع عالی شیعیان عراق رفت تا کمی از آتش این دشمنی‌ها بکاهد. (تحولات، ۱۳۸۳: ۳۴۳؛ Fattah, 2009: 201) ولی ظاهراً این دیدار به نتیجه مطلوب او نینجامد چرا که اندکی بعد گزارش‌هایی از حبس خانگی این مرجع عالی شیعه تحت نظر مأموران امنیتی به گوش می‌رسید و مأموران حکومت با دستگیری پسر آیت‌الله حکیم در مرداد ۱۳۴۳.ش نشان دادند که اتهام ضدشیعی به حکومت عارف گزاف نیست. دامنه اعتراضات شیعیان از شهرها به عشایر شیعه‌مذهب جنوب هم رسید و دولت را بسیار نگران کرد. با این حال تبعیضات حکومت نسبت به شیعیان در مقابل اهل سنت کاملاً آشکار و علنی بود. محدودیت استخدام شیعیان در مشاغل خاص، تفاوت دریافتی شیعیان و اهل سنت به‌صورت رسمی و اخراج شیعیان از ارتش متحده عربی منجر به ایجاد گروه‌ها و احزاب زیرزمینی شیعه ضدحکومت عارف شده بود (تحولات، ۱۳۸۳: ۳۴۳ و ۳۴۵ و ۳۵۴ و ۳۶۱ و ۳۶۶).

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث..... ۱۱۳

تمامی این اقدامات باعث شده بود «در اکثر شهرهای عراق یک نوع حالت انتظار و آرامش قبل از طوفان محسوس باشد و مردم در انتظار کودتای مجددی هستند تا تکلیف حکومت مشخص شود. مخصوصاً پس از کودتای اخیر رفتار مأموران سنی‌مذهب دولت نسبت به شیعیان به‌مراتب بدتر شده و شیعیان از جان و مال خود ایمن نیستند». دولت عارف به‌واسطه جبران کمبود بودجه و نقص خزانه دولت، طرحی را به تصویب رساند که نتیجه آن مصادره اموال و دارایی‌های مردم در بانک‌ها بود. مراجع شیعه به‌ویژه آیت‌الله حکیم این اقدام را ظالمانه و غیردینی قلمداد کرده و از آن انتقاد کردند. به همین دلیل گزارش‌های متعددی از وضعیت آماده‌باش در میان نیروهای امنیتی و رشد نارضایتی‌ها در میان مردم عراق به ایران می‌رسید و این آماده‌باش در روز اربعین سال ۱۳۴۴ ش. منجر به شعارهایی بر ضد جمال عبدالناصر شد که سه تن از تظاهرکنندگان توسط نیروهای امنیتی به قتل رسیدند. در کنار روحانیون شیعه، حزب الدعوه نیز علیه اتحاد مصر و عراق موضع می‌گرفت. حزب الدعوه که به حزب فاطمی هم شهرت داشت در تابستان ۱۳۳۷ ش. به رهبری سید محمدباقر صدر، سید مرتضی عسکری، سید محمد مهدی حکیم و محمدصادق قاموسی در نجف تأسیس شده بود و در میانه درگیری کردها و دولت مرکزی، از ادعاهای کردها برای اعطای خودمختاری دفاع می‌کرد. (جوینس، ۱۳۷۳: ۶۵). ساواک تلاش کرد از راه ارتباطاتی که با کردها داشت حزب الدعوه و حزب بعث را به هم نزدیک‌تر کند تا یک اتحاد سه‌جانبه علیه دولت مرکزی عبدالسلام عارف شکل بگیرد. به نظر می‌رسید به‌رغم سوء شهرت شاه در ارتباط با اسرائیل، این رویکرد او موفقیت‌آمیز بود تا جایی که عارف خشمگین تهدید کرد آیت‌الله حکیم را از عراق اخراج خواهد کرد (تحولات، ۱۳۸۳: ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۲۹ و ۴۲۰ و ۳۹۰).

مجموعه حاکمیت ایران تا این مرحله نسبت به وقایع عراق نظاره‌گر بود اما پس از سفر عبدالسلام عارف به مصر در مهرماه ۱۳۴۳ ش. و اعلام رسمی اتحاد میان دو کشور مصر و عراق که منجر به تشکیل «یک ارتش واحد، اقتصاد واحد، ملت و قلمرو واحد و یک فرمانده واحد»

خواهد شد، مقامات ایرانی به شدت نگران شدند. اقدامات دولت مصر در تقویت پایانه‌های دریایی در حوالی بصره و بندر فاو، احداث جاده مرزی وسیع در طول شط مرزی ایران و عراق و پیوستن به شورای تازه بنیان «شورای خلیج عربی» که توسط عبدالسلام عارف تأسیس شده بود به ویژه اشاره آشکار عارف در ۲۹ اسفند ۱۳۴۳ ش به حمایت ایران از کردها در جنگ با دولت مرکزی عراق باعث بروز نگرانی در مقامات ایرانی شد: «ما از فعالیت دولت‌های مرتجع رسمی که جنبش‌های طایفه‌ای را تقویت می‌کنند اطلاع داریم. اینها می‌ترسند که دولت واحد عرب و جمهوری سوسیالیست در مرز آنها تشکیل شده است». نخستین واکنش‌ها در مجلس نمایندگان ایران توسط محسن پزشک‌پور رهبر حزب پان‌ایرانیست شکل گرفت که در نطقی که در خردادماه ۱۳۴۴ ش ایراد شد، «اعراب و مصری‌های قبطی» را مسئول طراحی این تحرکات دانست. با بالاگرفتن سطح تنش‌ها در عراق گزارش‌هایی از تظاهرات ایران دوستان در کاظمین به دست آمد که شعارهای ضد مصری سر می‌دادند (تحولات، ۱۳۸۳: ۳۸۳ و ۳۹۱ و ۴۰۱ و ۴۰۹ و ۴۱۵ و ۴۱۸؛ روابط، ۱۳۸۰: ۱۸۲/۱).

با پایان یافتن دور اول جنگ میان کردها و حکومت مرکزی عراق، ارتش عراق به پشتیبانی مصر مہیای حمله به مرزهای ایران می‌شد، به همین دلیل راهبرد ایران اعمال فشار بر کردها بود تا مجدداً جنگ را از سر بگیرند. (doc171 FRUS, 1958-1960) هرچند دولت آمریکا و مصر طرفدار رفع صلح‌آمیز اختلافات میان کردها و دولت مرکزی بودند، ساواک با همکاری موساد تلاش گسترده‌ای برای حمایت و پشتیبانی تسلیحاتی از کردها به عمل می‌آورد؛ بنابراین در آذر ۱۳۴۳ ش دوباره آتش جنگ برافروخته شد. این بار نقش آفرینی ایران در این جنگ بسیار عیان شده بود و ناجی طالب وزیر امور خارجه عراق در مذاکره با همتای آمریکایی‌اش از او خواست بگوید «کدام نیروی ناشناس به کردها یاری می‌رساند؟ آنها از کجا پول می‌گیرند تا جنگ‌افزار و مایحتاج فراهم کنند» (ibid, doc.169). عارف نیز در واکنش به حمایت‌های شاه از کردها، ادعا کرد از تجزیه خوزستان و پیوستن به ایران حمایت

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث..... ۱۱۵

می‌کند بنابراین شاه فهمید که «خطری که ایران را تهدید می‌کند از مسکو نیست بلکه از ناحیه جمهوری متحد عرب است» (تحولات: ۱۳۸۳: ۴۰۸). سیاست ایران و آمریکا در قبال مسئله کردهای عراق با هم اختلاف جدی داشت. آمریکایی‌ها معتقد بودند «اعطای خودمختاری به کردهای عراق منجر به ازبین‌رفتن ثبات در منطقه خواهد شد» بنابراین رویکرد ایالات متحده مشارکت کردها در «عراق متحد و یکپارچه» بود. در کنار تلاش برای جلوگیری نفوذ کمونیسم در میان کردها و رفع ادعاهای ارضی دولت مرکزی عراق درباره اروند، هدف اصلی ایران حفظ برتری خود در خلیج فارس بود که با عراق «ناتوان، تجزیه‌شده و به‌دوراز آرمان اتحاد اعراب جمال عبدالناصر» محقق می‌شد (FRUS, 1964-1968; doc.177).

در چنین فضایی با علنی‌شدن ارتباطات و همکاری‌های گسترده میان ساواک و موساد، بهترین فرصت برای جمال عبدالناصر پیش آمد تا در آتش احساسات ضدایرانی در عراق بدمد. در حقیقت روابط میان ساواک و موساد که از سال ۱۳۳۹ش به اوج خود رسیده بود با تأسیس پایگاهی در شهر آبادان جهت جمع‌آوری اطلاعات عراق موردتوجه عراقی‌ها قرار گرفت. (گازپورسکی، ۱۳۷۱: ۲۶۹؛ نجاری راد، ۱۳۸۱: ۶۳). دولت عراق نیز در واکنش پایگاه اطلاعاتی و رادار در منطقه فاو تأسیس نمود تا اشراف بیشتری بر عبور و مرورها بر شط‌العرب داشته باشد. از خردادماه ۱۳۴۴ش مطبوعات حکومتی عراق مملو از مقالات ضدایرانی به بهانه همکاری موساد و ساواک شد. درواقع رژیم صهیونیستی همچون رژیم پهلوی در کنار کردهای عراق ایستاده بود تا ارتش عراق را از جنگ آینده اعراب و اسرائیل در مرزهای اردن یا سوریه دور نگه دارد. (روابط، ۱۳۸۰: ۱۸۹/۱).

در واقع اوج همراهی ساواک، موساد و کردها در نبرد همدردین نمایان شد. ارتش عراق که پس از مرگ مشکوک عبدالسلام عارف در یک حادثه هوایی در فروردین ۱۳۴۵ش و جانشینی برادرش عبدالرحمن عارف، می‌خواست مسئله کردها را برای همیشه یکسره کند، در اردیبهشت همان سال نبردی همه‌جانبه را علیه کردها آغاز کرد. تفاوت میان ارتش چهل هزارنفره عراق

و چهار هزار پیشمرگه کُرد بسیار زیاد بود اما پشتیبانی همه‌جانبه اطلاعاتی لجستیکی ساواک و موساد از کردها با رهبری زوری ساگی افسر ارتش اسرائیل در کوه هندرین منجر به شکست فاجعه‌بار ارتش عراق شد. درواقع این پیروزی نقطه اوج اثرگذاری سیاست غیردولتی ایران در منطقه بود که با همراهی موساد محقق شد (O'balance, 1973:136; Pollack, 2002:163).

درنهایت در آذر ۱۳۴۵.ش با میانجیگری ملک فیصل سعودی و نقش آفرینی مؤثر مهدی پیراسته سفیر ایران در بغداد، عباس آرام وزیر امور خارجه ایران به بغداد سفر کرد و در اسفند ۱۳۴۵.ش عبدالرحمن عارف به تهران آمد و در کاخ نیاوران با شاه ملاقات نمود. در این نشست توافق شد که عارف موضوع شط‌العرب را بر وفق نظر شاه سامان دهد و شاه نیز پذیرفت که دست از حمایت کردها بردارد تا وضعیت کردستان عراق به آرامش برسد (قانع‌راد، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

یک سال پس از نبرد هندرین، رژیم صهیونیستی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۶.ش ۵ ژوئن ۱۹۶۷.م در اقدامی پیش‌دستانه علیه مصر، سوریه و اردن وارد جنگ شد که بعدها به «جنگ شش‌روزه» شهرت یافت. ارتش عراق که پس از شکست هندرین بسیار ضعیف شده بود، نتوانست در این جنگ مشارکت داشته باشد. از سوی دیگر تضعیف توان دفاعی در مقابل کردها می‌توانست منجر به حمله مجدد آنها شود؛ بنابراین راهبرد مشترک موساد و ساواک در تقویت کردها و تضعیف دولت مرکزی عراق بسیار موفق بود، چرا که هیچ‌یک از آرمان‌های توسعه‌طلبانه‌اش را نتوانست در مرزهای شرقی و غربی محقق سازد. در نهایت با شکست همه‌جانبه دولت عراق در عرصه نظامی و دیپلماسی و عدم توان پاسخ‌گویی به موج احساسات ضدامپریالیستی در عراق، در ۲۶ تیر ۱۳۴۷.ش حزب بعث توانست با پشتیبانی ارتش، کودتایی موفق را اجرا کند و رژیم عارف را سرنگون سازد تا احمد حسن البکر به‌عنوان رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس شورای انقلاب، رهبر حزب بعث و فرمانده کل قوا بر تمام شریان‌های قدرت در عراق تسلط یابد (سامرای، ۱۳۸۸: ۳۸). با قدرت‌گیری بعثی‌ها، کمونیست‌ها و طرفداران جمال عبدالناصر از عراق اخراج شدند و این تحول به‌شدت مورد استقبال محمدرضا پهلوی قرار گرفت تا بدانجا

که ایران نخستین کشوری بود که رژیم بعث را به رسمیت شناخت (Tripp, 2010: 188). از نگاه تهران، کودتای حزب بعث در عراق سومین شکست منطقه‌ای مصر پس از جنگ شش‌روزه و جنگ داخلی یمن بود.

نتیجه‌گیری

سیاست منطقه‌ای ایران در دوره پهلوی، بخشی از استراتژی مهار خطراتی بود که می‌توانست یکپارچگی سرزمینی ایران را هدف قرار دهد. درواقع رژیم پهلوی در منطقه چند خطر بالقوه را برای خود شناسایی کرده بود: نفوذ شوروی، تمایلات خودمختاری کردها و اعراب و مسئله فلسطین. در این راستا حمایت ایران از کردهای عراق در دستور کار قرار گرفت تا مانع از دست‌اندازی عراق به خوزستان و جاه‌طلبی در خلیج فارس شود. این استراتژی به شکل مؤثری توانست برای دستیابی به این اهداف، از کردها به‌عنوان اهرم فشاری بر ثبات درونی عراق و آرمان وحدت عربی استفاده کند تا عراق را ضعیف و تقسیم‌شده و جدای از جمال عبدالناصر نگاه دارد. بخش دیگری از استراتژی مهار در سیاست منطقه‌ای ایران، پرهیز از برخورد تمام‌عیار نظامی بود و بیشتر بر سویه‌های فرهنگی، هویتی و ایدئولوژیک نیز تأکید داشت. کمک ایران به کردهای عراق، تمایل به خودمختاری کردها در داخل ایران را نیز مهار کرد. با افزایش پشتیبانی از کردهای عراق، ناسیونالیسم کردی در ایران نیز رنگ باخت، مرزهای غربی ایران توسط پیشمرگه‌های کرد امن شد و احزاب کرد تبلیغات علیه تمامیت ارضی ایران متوقف کردند. به گفته منصور قدر، حسن پاکروان مبدع این سیاست بود که برای واداشتن رهبران عراقی در ارون‌درو از کردهای عراق استفاده کند. (هاروارد: منصور قدر؛ اردیبهشت ۱۳۶۵) به‌رغم تصور دیگر بازیگران منطقه‌ای همچون شوروی و حتی آمریکا، سیاست منطقه‌ای ایران هیچ‌گاه دفاع از فروپاشی موجودیت سیاسی عراق و ایجاد یک دولت مستقل کردی نبود، چنان‌که با تجزیه پاکستان و اشغال شبه‌جزیره سینا و ارتفاعات جولان به دست رژیم

صهیونیستی مخالفت می کرد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی و منطقه‌ای ایران حفظ صلح و ثبات در خاورمیانه بود و با حمایت استراتژیک از کردهای عراق و پشتیبانی غیرمستقیم از شیعیان لبنان، تهدید موج پان عربیسم تحت حمایت شوروی در منطقه را محدود و بی سرانجام گذاشت.



سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث..... ۱۱۹

کتابنامه

الف) اسناد

روابط ایران و عراق به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰.

تحولات داخلی عراق و امنیت ملی ایران، چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۳.

Foreign Relations of the United States(FRUS), 1958–1960, Near East Region; Iraq; Iran; Arabian Peninsula, Volume XII, editor:Edward C. Keefer; United States Government Printing Office; Washington;1993.
available in: <https://history.state.gov/historicaldocuments/frus1958-60v12>
Foreign Relations of the United States(FRUS), 1964-1968: Iran, Volume XXII; editors: Edward C. Keefer; Charles S. Sampson; United States Government Printing Office; Washington;1993.

ب) کتاب

الحاج، عزیز، **القضية الكردية في العراق: التاريخ والآفاق**، بیروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، ۱۹۹۴.

الحاج، عزیز، **شهادة في التاريخ: اوراق في سيرة الذاتية السياسية**، لندن، الرافد، ۲۰۰۱ م.
سامرای، وفیق، **ویرانی دروازه شرقی**، ترجمه عدنان قارونی، تهران، مرکز اسناد تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۸.

جعفری ولدانی، علی اصغر، **روابط عراق با کویت**، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹.
جعفری ولدانی، علی اصغر، **بررسی اختلافات مرزی ایران و عراق**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه، ۱۳۶۷.

ملک محمدی، حمیدرضا، **از توسعه لرزان تا سقوط شتابان**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
الموسوی، رعد، **انتفاضة صفر الاسلاميه في العراق**، قم، امیرالمومنین، ۱۹۸۳ م.
قانع‌ی راد، عرفان، **تندباد حوادث: خاطرات سرهنگ عیسی پژمان**، تهران، علم، ۱۳۹۰.

۱۲۰ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، س ۶، ش ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

الجمیلی، عباس، **نگاهی به تاریخ سیاسی عراق**، ترجمه محمدحسین زوار کعبه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، ۱۳۷۰.

ویلی، جویس، **نهضت اسلامی شیعیان عراق**، ترجمه مهوش غلامی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳.

کیانوری، نورالدین، **خاطرات**، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰.

گازیوروسکی، مارک، **دیپلماسی آمریکا و شاه**، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، موسسه رسا، ۱۳۷۱.

نجاری راد، تقی، **همکاری ساواک و موساد**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

برنامه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، مصاحبه با منصور قدر، ۱۴۰۱ و اردیبهشت ۱۳۶۵/۱۹۸۶.

Ashton, Nigel. "The Hijacking of a Pact: The Formation of the Baghdad Pact and Anglo-American Tensions in the Middle East, 1955-58", Review of International Studies, 19/2(1993) pp.123-137

Fattah, Hala; **A Brief history of Iraq**; New York, Facts on file.2009

Franzen,Johan; **Red star over Iraq: Iraqi Communism before Saddam**; Columbia university press,2011

Ismael, Tareq Y., **The Communist Movement in the Arab World**, London: Routledge,2005.

Khadduri, Majid, **Independent Iraq 1932-1958: A Study in Iraqi Politics**, 2nd ed.London: Oxford University Press, 1960

Naef, Silvia, "Shi'i-Shuyu'i or: How to Become a Communist in a Holy City",Twelver Shia in Modern Times: Religious Culture & Political History, Rainer Brunner and Werner Ende (eds), Leiden: Brill, 2001,pp.220-255

O'balance, Edgar; **The Kurdish revolt, 1961-1970**; London:1973

Pollack, Kenneth; **Arabs at War: Military effectiveness, (1948-1991)**; University of Nebraska press

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث..... ۱۲۱

Smolansky, Oles M.; **The Soviet Union and the Arab East under Khrushchev**, Lewisburg, PA: Bucknell University Press, 1974.

Tripp, Charles; **A history of Iraq**; Cambridge university press, 2010.

(ج) روزنامه ها

اطلاعات، ۱۱ آذر ۱۳۳۸، شماره ۹۷۳۶، ص ۴.





شماره بزرگ اشتادان

از
اداره دوم
وآژه ۱۰۰
شماره ۱۹۴۵۵

به
بایست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

دوباره :

تهران - روز ۷ بهمن ۱۳۵۷

سری است

سری

بطوریکه استحضار دارند پیرامون گشت ملاحظاتی بازرانی و اتباع عراق کشور منور مرکز فعالیت گمنامیها شده و روی هم بر اصل اقلب سران فراری حزب توده، فسطه ایران و همچنین افسران نواری شتمب به حزب منور نیز عراق وارد شده اند اینها آخرین اطلاعات واصله از وابسته نظامی ایران در عراق در مورد وجود عناصر منور و بغداد که از شرح عرض همایونی گذشته است بطور فرموده اند بسا واک هم اعلام شود جهت اطلاع و هرگونه اقدام پس جویی و نیالیه فعالیت آنان به شرح زیر اعلام میگردد :

- ۱- دگرگونی نواری عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران با احتمال خیلی قوی در بغداد میباشد و در این مورد وابسته نظامی باز هم مشق تجسس است
- ۲- دگرگونی خشر را شخضا وابسته نظامی دیده اند
- ۳- رحیم نامور = = =
- ۴- رضا رستمی طبق اطلاع موثق که از چند جهت تأیید شده در بغداد و مصر دیده شده
- ۵- احسان طبری طبق قرائن با احتمال خیلی قوی در بغداد است و شهرهای فارسی را در پی بغداد را از تهیه میکند
- ۶- بزرگ طوی به بغداد آمده و برگشته است
- ۷- از افسران فراری سرگرد پولاد و دستوان حمید زوگری دیده شده اند و سرگرد هوائی اگشتائی با احتمال قوی در بغداد است سرگرد طافری مستملا و اقلید احتیاط ممکن است در بغداد باشد
- ۸- قرائن و مدارک بالا نشان میدهد که عده از سران و اعضا موثر و افسران فراری حزب فسطه توده ایران به عراق رقت و آمد دارند و این رقت و آمدها موید فعالیت و ارتباط سران و افسران نواری حزب منور با آنها میباشد حزب توده در ایران و کمیته میباشد که میشود با این مدارک جهت فعالیت و چگونگی ارتباط آنان را تشخیص داد

دستور فرمائید با هفت توجه به مراتب بالا چنانچه اطلاعات تکمیل تری در این مورد و آن سازمان موجود است جهت استحضار اینجانبه بود این باین اداره ارسال دارند

فرستاده شد

فرستاده شد

فرستاده شد

فرستاده شد

فرستاده شد

فرستاده شد

سند شماره ۱:

فهرست سران حزب توده در عراق / اسناد ساواک

شماره ۱۲۹
تاریخ ۲۲/۱۲/۲۸
وزارت امور خارجه
بکلی سرری است

بموضوع بکلی شماره ۱۲۱ مورخ ۲۲/۱۲/۲۸ راجع به فعالیت کمیته‌های عراقی اخبار و اطلاعات جدید است
آمد که در بالا عرض می‌گردد .

ملاحظات کلی که چند هزار نفر از افراد شوروی به عنوان مخفیاتی در عراق وارد شده و کلیه تعلیمات نظامی را -
توانسته و عملاً در عراق خدمت‌الصلاح می‌باشند و از طرفی حواله یک هزار نفر بعد از کمیته‌های خود به ایران -
که قرار می‌گیرند و می‌تواند از ایران نیز در عراق موجود می‌باشند یا سایر افراد کمیته‌های در عراق همکاری و -
فعالیت می‌نمایند .

بطوریکه در گزارش‌های پیش‌عرضه شده است نباید گمان کمیته‌های خاص میانه از کشورهای خارجی -
و سیاست‌های آن‌ها در ۲۶ تیر ۱۳۵۶ در بغداد تشکیل و تصمیمات نه‌ای اتخاذ نمود .

۱- تأیید سیاست عبد‌الکریم قاسم و اهرجنتی که می‌تواند با سیاست نامبرده داشته باشد .
تأیید می‌نمایند .

۲- تأیید مسامحه به منظور تحلیل استقلال کردستان و ایجاد یک دولت کرد از کوه اکرد موجود در منطقه عراق -
ایران - ترکیه و سوریه .

۳- تأیید کمیته‌های ایران "حزب توده" و "ره‌ای" و "تجارت ایران از یکتاوری و تأسیس جمهوری موزکاتی" -
آسام خط مشی واحدی با عراقی .

از قرار معلوم نباید گمان کمیته‌های ایران در جلسه سری کلان‌انسی قرار داده هر چند در نظر اهرام و -
اعلان‌گیری در برابر ایران مخصوصاً در آذربایجان و آبادان آغاز گردد و طرفداران خود را در این عطا -
کنند و مساعدت نمایند . هر دو آن عراقی و شوروی خود برای این بردن حال مستعمل نمی‌شود و رایزنان حاضر و
آماده باشند تا در نهایتاً تمام نظام امور را در ایران در دست گرفته و حکومت جمهوری را اعلام نمایند .

از قراریک گفته می‌شود که دکتر طهماسبی و محمد الحسین شیرازی در جلسه سری فوق‌الذکر شرکت داشته و با اسراع
وسایل طرفداران خود را در ایران تأیید می‌نمایند و می‌توانند هدف‌های خود را عملی و تحقیق دهند و نیز می‌توانند که -
کتابهای دای و اسلحه بآنها بفرستند . دکتر حاکمی علاوه بر تأیید سیاست که از نقش ایران در نای نسبتاً زیاد و انحراف
برای واژگین نمودن حکومت در ایران موجود می‌باشند . حال بهترین فرصت برای شروع اعتراضات و تظاهرات -
در امتداد ارمغوسا که روابط بین شاهنشاه و اتحاد جماهیر شوروی تیره گردیده و ایران کتابهای شوروی را رد -
نموده می‌باشد شوروی ها حاضر به همکاری با سیاست‌های یکتاوری عملی در ایران می‌باشند بعضی از مراجع تأکید
می‌نمایند که اغلب این عناصر چپ ایرانی از طرفی آبادان کشت و کمره وارد بغداد می‌کنند .

سند شماره ۲:

رصد فعالیت‌های اعضای حزب توده ایران در عراق؛ گزارش سفارت ایران در بغداد



(جدول ب)

dil. ...

س. ا. و. ا. د.

گزارش اطلاعات خارجی

شماره ۴۷۹۹ / ۱۰۱۱ / ۱۰ (ف-ب) :
تاریخ وقوع : ۲۸ / ۱۱ / ۱۰
تاریخ وصول خبر : ۲۸ / ۱۱ / ۱۲
تاریخ گزارش :
موضوع :
محررين :
مستند به :
منبع :
تقويم :
۳ - ب

زمنی که کشورها هنوز ایران با عراق راجع به خط العربیتوج کرده به معنای «عراق بهایه بحرن» وارد افکار مردم استوجه حقانیت عراق میبایند ازجمله عبدالحسن درازی ساکن کربلا که ۳۵ سال است در عراق سکونت دارد به بحرن آمده و شروع به یک سلسله فعالیت های علیه ایران و مصر و سر له عراق نموده و بیشتر فعالیت این شخص در عراق و بیابان بحرن صورت گرفته و از سادای لوسی و بیسی سوادای مردم عراق استفاده میکند .

هده ای از افراد حزب الاتحاد که از موضوع مطلع شده و برانصاحت و تکلیف مراجعت از بحرین بمراقب کردند و پس موثر واقع نشده بهالنتیجه اورا تکلیف پسمارشدیدی زدند .

این شخص دارای دو جواز می باشد که یکی بحرانی دیگری عراقی و خرم شهر ایران نیز با در دست و آمد میکند و در مزارات خود اکثر "مگوید ترپا" ایران جمهوری میشود و کارها با تمام قاطع میگردد



الف
ΔK5

گروندگان

اداره کل ہفتم - اداره کل سوم - بخش سیراقی

تعداد نسخه

6/144-37

سند شماره ۳:

ادعاهای توسعه طلبانه دولت عراق درباره اروندرود / گزارش اطلاعات خارجی، ساواک

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق بر پایه اسناد ساواک از سقوط پادشاهی تا قدرت‌گیری حزب بعث ۱۲۵

(جدول ب)

(نونه ب)


سازمان اطلاعات و امنیت کشور
 س. ۱۰۳۰۱۰
گزارش اطلاعات خارجی

کشور: **عراق**
 موضوع: **ایجاد دو پایگاه موشکی در عراق**
 سابقه (عطف):
 منبع: **رابط ساواک در مریوان مستند باطنیار شیخ احمد کهنه پوشی (ع)**
 تقویم: (۲)

شماره: **۲۱۳** (ب-ب)
 تاریخ وقوع:
 تاریخ وصول خبر: **۳۹/۵/۲۰**
 تاریخ گزارش: **۳۹/۵/۲۲**

خیلی محرمانه

در عراق شایع است پس از مراجعت عبدالقادر حسینی که بنایندگی اسباب
 بمبکرفته است کلیه اعراب متفقاً در مورد خط العرب و بحین بایران تعرض خواهند
 نمود و این تعرض حتی تلقی گردیده است و دولت شعری با اعراب وعده داده دو پایگاه
 موشکی یکی در **نبردگان** واقع بین پشدر و سلیمانیه و دیگری در اطراف **سد قرو خیلان**
 واقع بین حلبچه و سیریان ایجاد کند . ضمناً در عراق طبعه ایران **عبدالستار**
 و گفته میشود تمایل عراق بایران ساختگی و طبق نقشه جمال عبدالناصر است


 خیلان
 ۱۳۸۴/۵/۲۲
 ۱۳۳۹/۵/۲۲

۸۷۳
 به
 تعداد نسخ

گیرندگان مدیریت کل اداره سوم جهت استحضار
 به
 تعداد نسخ

سند شماره ۴:

سند احداث دو پایگاه جدید نظامی توسط دولت عراق در مرز با ایران / گزارش اطلاعات خارجی

ساواک